

نشریه علمی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال شانزدهم، شماره شصت و سوم، پاییز ۱۴۰۳، ص ۳۴-۱

اثره‌های فرانسلی در ادبیات تعلیمی کودک: بررسی داستان‌های مصور برگزیده بر پایه نظریات بالِس

محمد هادی جهان‌دیده،* رضا حاجیان حسین‌آبادی،** رباب آدم‌زاده***

doi 10.71630/parsadab.2024.1196723

چکیده

کریستوفر بالِس (کنون-۱۹۴۳)، در نظریه «ذهنیت نسلی»، از اَبژه‌های سه‌گانه شاملِ خاطره‌ها، باورها و رفتارهایی سخن می‌گوید که به نیازِ نسل نو برای قرارگیری در نظم کیهانی و همبستگی با نسل‌های پیشین پاسخ می‌دهند. در داستان‌های مصور ادبیات تعلیمی کودک، شخصیت‌های اسطوره‌ای نهضت پایداری به‌مثابه اَبژه‌هایی فرانسلی هستند که با گذر از مرزهای زمانی به فضای مشترک ذهنی مخاطبان خود وارد می‌شوند و نقشی کلیدی در آشناسازی آنان با آرمان‌های اسلامی دارند. در این مقاله قصد داریم که با واکاوی چهار داستان مصور برگزیده، نقش اَبژه‌ها را در بازنمایی مکتب شهید سلیمانی و هویت‌بخشی به کودکان و نوجوانان مشخص سازیم. پژوهش حاضر، با رویکرد بین‌رشته‌ای، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است: کدام نوع از اَبژه‌های نسلی موجود در داستان‌های منتخب نقش چشمگیرتری در آشناسازی نسل نو با نهضت بیداری اسلامی دارد؟ روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است. درصددِ وقوع مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی و اَبژه‌های نسلی بر مبنای آزمون خی‌دو با استفاده از نرم‌افزار SPSS۲۵

* استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

M.H.Jahandideh@pnu.ac.ir
hajian@pnu.ac.ir

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

*** مدرس مدعو گروه زبان انگلیسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

r.adamzadeh@ashrafi.ac.ir

تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

تاریخ وصول ۱۴۰۳/۱۰/۲۷

محاسبه خواهند شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که «مردم‌داری» و «نوع‌دوستی» حضور پررنگ‌تری نسبت به سایر مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی در آثار برگزیده دارند. همچنین، گونه «باورها» بسامد بالاتری (۴۱/۶۶) در میان ابژه‌های سه‌گانه نسلی دارد. داستان‌های برگزیده در فضاهای ناهمگن اجتماعی شکل گرفته‌اند و میان ابژه‌های نسلی تفاوت آشکاری دیده می‌شود. بااین حال، وجود همگرای نسلی همچون «خانواده» و «دین» مایه پیوند نسل نو با نهضت بیداری اسلامی است.

واژگان کلیدی: ادبیات تعلیمی کودک، ابژه، بال‌س، داستان مصور.

۱. مقدمه

ادبیات تعلیمی، ادبیاتی است که «نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند» (مشرّف، ۱۳۸۹: ۹). ادبیات تعلیمی که پهنه گسترده‌ای از ادبیات شفاهی و متون کلاسیک همچون حکایت‌ها، مثل‌ها، حماسه‌ها و داستان‌های اسطوره‌ای را در بر می‌گیرد، سرچشمه جوشان ادبیات تعلیمی کودک و نوجوان هستند. هدف ادبیات کودک، «تجویزی و دستوری نیست؛ توصیفی و تحلیلی است...» در تعامل با کودک رخ می‌نماید؛ هست می‌شود؛ در یک درهم‌آمیزی، در یک یگانه‌سازی، در پخش شدن اثر در کودک و پخش شدن کودک در اثر» (خسرونژاد، ۱۳۸۳: ۴۵). موج بیداری اسلامی که به‌تازگی در سراسر جهان به تکاپو درآمده، بیش از هرچیز نیازمند نیرویی تازه برای پیشبرد آرمان‌های خویش است. در جهان پرشتاب امروزی، کودکان و نوجوانان با انبوهی از رسانه‌ها روبه‌رو هستند که با تبلیغ فرهنگ سیاسی دموکراتیک، نگرش‌های لیبرالی و طرح مفاهیم کانونی همچون لذت‌گرایی تلاش می‌کنند تا به تفاوت‌های نسلی دامن زنند و آن‌ها را به تعارضات پیچیده، شکاف‌های گسترده و انقطاع لجام‌گسیخته تبدیل کنند. در اینجا، بار سنگین بر دوش ادیبان و هنرمندان قرار دارد تا نسل نو را با تجارب زیسته و هنجارهای فرهنگی پیشگامان خود آشنا سازند. کریستوفر بال‌س (۱۳۸۰) بر تعامل بین نسلی و شکل‌گیری گفت‌وگوی سازنده تأکید می‌کند: «در تعامل بین نسل‌ها مبنی بر پذیرش ابژه‌های فرهنگی آن‌ها و ابژه‌های فرهنگی نسل موجود، دیالکتیک بین‌نسلی شکل می‌گیرد.» اما در بیشتر موارد، ایدئولوژی مسلط جامعه و نگرش نسل‌های پیشین در تقابل با

ذهنیت و اُبژه‌های نسل نو قرار می‌گیرند. این اُبژه‌ها شامل مواردی همچون مُد لباس، موسیقی مورد علاقه، واژگان نو، چهره‌های هنری و قهرمانان اجتماعی می‌شوند که برای کودکان و نوجوانان امروزی دارای اهمیت فراوانی هستند. بالس، ویرانی اُبژه‌های پیشین به دست نسل نو را سرچشمه بحران می‌داند: «شکل‌گیری هر نسل جدید، خواه‌ناخواه نسل‌های قبلی را به‌تازده می‌کند...، وقتی زیبایی فرهنگی کسی را نسل‌های بعدی تعریف کنند (یعنی نسل‌هایی که بینش متفاوتی درباره واقعیت اجتماعی دارند)، آنگاه بحران‌های نسلی رخ می‌دهند. می‌توان با اطمینان گفت که هر نسلی آن اُبژه‌های مهمی را که آشکارا بر فرهنگ آتی تأثیر خواهند گذاشت، به نسل بعدی منتقل می‌کند» (بالس، ۱۳۸۰: ۱۵). در سال‌های اخیر، توجه جامعه‌شناسان ادبیات و مدیران فرهنگی کشور به ظرفیت‌های بالقوه ادبیات کودک جلب شده است و شاهد آفرینش‌هایی نو در چارچوب‌هایی تازه هستیم. ادبیات پایداری کودک به‌عنوان یکی از جذاب‌ترین گونه‌های هنری، سرشار از اُبژه‌های نسلی است که مرزهای زمانی و مکانی را درمی‌نوردند و با تبدیل شدن به اُبژه‌های همگانی، پویایی ویژه‌ای به این رسانه فرهنگی می‌بخشند. کتاب‌های تصویری، یکی از قالب‌های جذاب ادبیات پایداری کودک است که بر ذهنیت نسل نو تأثیر می‌گذارد و در جامعه‌پذیری آنان نقشی کلیدی دارد. در این پژوهش، از نظریات جامعه‌شناختی کریستوفر بالس و پیشگامان وی بهره‌گرفته‌ایم تا نقش آثار برگزیده را در آشناسازی نسل نو با آموزه‌های مکتب شهید سلیمانی و نهضت بیداری اسلامی مشخص سازیم.

۱-۱. بیان مسئله

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که با خوانش میان‌رشته‌ای چهار داستان مصوّر حاج قاسم و جاسوس (۱۴۰۱)، قهرمان به شکل خودم (۱۴۰۱)، سیب آخر (۱۴۰۱) و حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها (۱۴۰۱)، نقش اُبژه‌های نسلی را در جامعه‌پذیری نسل نو و گسترش مکتب تربیتی شهید سلیمانی مشخص سازد. رویکرد بین‌رشته‌ای مقاله با استناد به اندیشه‌های جامعه‌شناسانه روان‌شناختی کریستوفر بالس به‌ویژه نظریه «ذهنیت نسلی» وی صورت‌بندی شده‌اند. نسل‌های چهارم و پنجم انقلاب، (متولدین ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۴)، بیشترین مخاطبان داستان‌های تصویری برگزیده را در این مقاله تشکیل می‌دهند که به نسل‌های زد و آلفا نیز خوانده می‌شوند. این قشر جوان اجتماع ایران به دلیل دسترسی آزاد به شبکه‌های اجتماعی

با فرهنگ‌های گوناگونی آشنا می‌شوند که در امتداد خطی با هنجارهای بومی و ارزش‌های پیشین قرار ندارند. بازنماییِ ابژه‌های نسل نخست انقلاب اسلامی و تبیینِ شاخصه‌های مکتب شهید سلیمانی در ادبیات پایداریِ کودک و نوجوان می‌تواند زمینه‌های رشد شناختی، عاطفی و جامعه‌پذیریِ آنان را فراهم سازد. در این مقاله، نگارنده به دنبال یافتنِ پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

- کدام‌یک از ابژه‌های سه‌گانه نسلی نقش مهم‌تری در همبستگی نسل نو با نهضت بیداری اسلامی دارد؟

- آیا رابطه معناداری میان تصاویر با متن آثار منتخب وجود دارد؟
در این مقاله، پژوهشگران به دنبال افزایش دامنه مطالعات و تحقیقات پیشین در حوزه روابط میان متن و تصویر هستند تا چشم‌انداز دیداری و انگاره ذهنی مخاطبان را بیش از پیش گسترش دهند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون، هیچ مقاله پژوهشی درباره زندگی‌نامه و مکتب شهید سلیمانی در حوزه ادبیات کودک نوشته نشده است. هرچند به تازگی، میزان همگرایی و هم‌افزایی نویسندگان ادبیات کودک به عنوان روشنگرانِ عرصه جهاد تبیین افزایش یافته است، تعداد پژوهش‌های مرتبط با نسل آلفا همچنان به میزان کافی نیست. با توجه به سرشت میان‌رشته‌ای مقاله حاضر و ارتباط آن با مطالعات نسلی و هنر، به مهم‌ترین پژوهش‌های موجود در این زمینه‌ها اشاره می‌شود

۱-۲-۱. پژوهش‌های مرتبط با مطالعات نسلی

کتاب *معلم نسل آلفا* (یورتسون، ۱۴۰۲) برای معلمان، مربیان، مدیران و والدین این نسل مناسب است. نویسنده بر این باور است که هر نسلی نیازمند آموزشی ویژه است و آموزگاران نباید به همان روش‌هایی متوسل شوند که نسل‌های پیش از جمله نسل وای یا زد را پرورش داده‌اند. تولد نسل آلفا در زمان تکنولوژی و فضای مجازی موجب پدیدار گشتنِ نیازهایی متفاوت در این نسل شده است. نسل آلفا با جست‌وجویی آسان به مخازن اطلاعاتی نامحدودی دست می‌یابد و کلاس‌های آموزشی باید حاوی اطلاعاتی فراتر از چنین منابعی باشند.

قدیری حاجی‌آبادی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «آینده‌پژوهی

تفاوت نسلی در ایران با تأکید بر سبک زندگی نسل آلفا، پس از تهیه فهرستی ابتدایی از ویژگی‌های نسل آلفا به مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با والدین، معلمان و کودکان نسل آلفا پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده است که دیدگاه‌های نسل آلفا نسبت به نسل‌های پیش تفاوت‌های زیادی دارد و محیط رشد، مزیت‌های گوناگونی همچون آزادی عمل بیشتری را برای این کودکان به ارمغان آورده است. ذاکری و طاهری‌دمنه (۱۳۹۹) در مقاله مشترکشان «مطالعه‌ای آینده‌پژوهانه در ابعاد مختلف آموزش: ارائه چشم‌اندازی از مدرسه میان‌رشته‌ای آینده»، چشم‌اندازی از بدیل‌های مدارس فعلی را متناسب با نیازهای نسل آلفا و نسل‌های آینده ترسیم کرده‌اند. تأسیس سامانه پایش محیطی، تعادل میان برنامه‌های کلان، برون‌سپاری نوآوری و متنوع‌سازی گونه‌های مدارس برخی از پیشنهادات این پژوهشگران در راستای طراحی مدارس آینده هستند.

۱-۲-۲. پژوهش‌های مرتبط با نظریات کریستوفر بالِس (۱۹۹۳)

در مقاله «مقایسه ذهنیت نسلی و بین نسلی در نسل‌های دانشگاهی پس از انقلاب اسلامی»، سهراب‌زاده (۱۳۸۸) تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از تئوری «ابژه‌های نسلی» کریستوفر بالِس به مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های سه نسل دانشگاهی از منظر نگرش آن‌ها به ابژه‌هایی در زمینه رفتارها، یاورها و یادمان‌های تاریخی دست یابد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که در هر سه بخش ابژه‌ها، نسل‌ها شباهت‌های اساسی بین خود و تفاوت‌هایی چند با نسل‌های دیگر دارند. ایار و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله «فضاهای عمومی و ابژه‌های نسلی: مطالعه موردی ترمینال جنوب از منظر روابط نسلی»، با رویکردی نسلی و روشی کیفی به روابط بین نسلی و ابژه‌های نسلی در بستر زندگی روزمره و فضای عمومی پرداخته‌اند. یافته‌های این جستار نشان داد که نسل‌های سه‌گانه (پیر، میان‌سال و جوان) با وجود همسانی‌های کلی فرهنگی و اجتماعی از نظر خرید، حمل و مصرف ابژه‌ها و تعامل با افراد در فضای پیرامون ترمینال جنوب تهران، متفاوت عمل می‌کنند. در مقاله «مطالعه بازنمایی ابژه‌های نسلی زندگی روزمره در نقاشی دهه هشتاد در ایران» (کامرانی و بوستانی، ۱۳۸۹) نشان می‌دهند که هنرمند فیگوراتیو امروز در کنار پافشاری بر بازنمایی چالش‌های اجتماعی و فضای شهری در اثر خود، گاه به نقد و داوری در مورد آن‌ها نیز می‌پردازد. این شیوه در آثار هنرمندان نسل‌های پیش، کمتر جلوه‌گر شده است.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی با روش توصیفی تحلیلی و به لحاظ هدف توسعه‌ای است. گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شده است. نمونه آماری این پژوهش شامل چهار داستان تصویری حاج قاسم و جاسوس (۱۴۰۱)، قهرمان به شکل خودم (۱۴۰۱)، سیب آخر (۱۴۰۱) و حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها (۱۴۰۱) است که برای گروه‌های سنی «ب»، «ج» و «د» و درباره مکتب شهید سلیمانی نوشته شده‌اند. میزان فراوانی و درصد وقوع مضامین سازمان‌دهنده مکتب شهید سلیمانی و ابژه‌های چهارگانه نسلی در اثر برگزیده بر مبنای آزمون خی‌دو با استفاده از نرم‌افزار SPSS۲۵ محاسبه خواهند شد.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. نظریه «ذهنیت نسلی» کریستوفر بالس

کریستوفر بالس، یکی از نظریه‌پردازان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که با بررسی مفاهیم نسلی تلاش کرد تا تفاوت‌های رفتاری و ایدئولوژیک درون خانواده‌ها و متن جامعه را ریشه‌یابی کند. بر پایه نظریه «ذهنیت نسلی» کریستوفر بالس (۱۹۹۳)، افراد جامعه درون پهنه‌ای از ابژه‌ها زندگی می‌کنند که شامل «خاطره‌ها، نگرش‌ها، رفتارها، علایق و ذوق و سلیقه نسل‌هاست و خصوصیت فردی ندارند، یعنی برداشتی را که از نسل خودمان داشته‌ایم، برای ما بازمی‌آفرینند...» می‌توان گفت هر نسلی آن ابژه‌های مهمی را که آشکارا بر فرهنگ آن تأثیر خواهند گذاشت، به نسل بعد منتقل می‌کنند (بالس، ۱۳۸۰: ۴۵). کاربرد ابژه‌ها در شرایط گوناگون و متأثر از گفتمان‌های غالب اجتماعی تغییر می‌کند. این جای‌گشت معنایی در بستر رسانه‌ها جلوه‌گر می‌شود و نسل‌ها را به‌سوی شکوفایی سوق می‌دهد. بالس، نسل را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از انسان‌ها که در ابژه‌های نسلی باهم سهیم شده‌اند؛ یعنی افرادی که از ابژه‌های معینی برخوردار شدند و آن‌ها را به‌خوبی درک می‌کنند و بنابراین اکنون به‌آرامی بینشی درباره واقعیت اجتماعی برای خود به وجود می‌آورند» (شالچی و ضیاجی، ۱۳۹۳: ۷۵). بینش و ذهنیت انسان‌ها با کاربرد ابژه‌ها در زندگی روزمره‌شان شکل می‌گیرد. ابژه‌ها، معناهایی از هویت نسلی را به گروهی مشترک از انسان‌ها بخشند که در برهه‌های گوناگون زمانی دارای تجارب زیسته مشابه هستند. در نظر بالس، هویت هر نسل «آمیزه‌ای عجیب و غریب از مفاهیمی است که یا توسط همان نسل ابداع شده یا به آن‌ها تحمیل گردیده

است، زیرا پسندهای اشخاص در زمینه موسیقی (هنر) و نیز تعبیری که در زبان ابداع می‌کنند، با رویدادهای خارج از کنترلشان سنخیت دارد (رویدادهایی مانند جنگ، بحران‌های اقتصادی و نظایر آن). باین‌همه، اَبژه‌های نسلی همچون اَبژه‌های هنر عوام‌پسند، باب روزاند، دقیقاً به این دلیل که با زمان تاریخی در هم می‌آمیزند» (بالس، ۱۳۸۰: ۱۹). گروه‌بندی‌های نسلی در کشورهای غربی پیشینه‌ای طولانی دارد. مؤسسات تحقیقاتی فعال در حوزه آینده‌پژوهی، نسل‌های گوناگون را با در نظر گرفتن ویژگی‌های رفتاری به دسته‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند. جدول زیر به مهم‌ترین ویژگی‌های نسل‌هایی می‌پردازد که با «شکل دادن به هنجارهای اجتماعی، ایجاد قوانین، سیاست‌ها و یا اعمال نفوذ از طریق نقش‌های خانوادگی-جهانی» سهم بسزایی در آفرینش افق‌های پیش روی نسل‌های نو داشته‌اند:

جدول ۱: دسته‌بندی نسلی از نظر سیمیلر و گریس (سیمیلر و گریس، ۱۴۰۰: ۴۴)

گروه‌های اصلی نسلی	نسل جی‌آی	نسل خاموش	نسل بیبی بومر	نسل ایکس X	نسل هزاره (Y)
سال تولد	۱۹۰۱-۱۹۲۴	۱۹۲۵-۱۹۴۵	۱۹۴۶-۱۹۶۴	۱۹۶۴-۱۹۸۰	۱۹۸۱-۱۹۹۴
خصوصیات معمولاً مرتبط	● آینده‌نگر ● دلیر و نستوه ● باوقار ● فروتن	● ریسک‌پذیر ● سازگار ● خواهان ثبات ● منظم ● صبور ● وفادار	● سخت‌کوش ● خوش‌بین ● واقع‌گرا ● وفادار ● خلاق ● تعامل‌خواه	● مستقل ● متمرکز بر خانواده ● احترام به دین و نژاد	● متصل به دیجیتال ● خوش‌بین ● متمرکز بر خود

نسل‌های ایکس و هزاره^۵ (X Generation & Millennials) که بخش عمده جامعه بزرگسال ایران را تشکیل می‌دهند، بار راهنمایی نسلی را بر دوش دارند که روزانه با انبوهی از اطلاعات، آگهی‌های تبلیغاتی و اخبارهای جهان روبه‌رو می‌شود. نویسندگان و تصویرگران حوزه ادبیات کودک که از لحاظ سنی به نسل‌های پیش از آلفا تعلق دارند، باید از سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و مسئولیت اجتماعی لازم برخوردار باشند تا ارتباطی مؤثر، پویا، واقع‌گرایانه و دوسویه با نسل نو برقرار سازند. آموزش، تربیت و نفوذ در قلمرو افکار کودکان نیازمند آگاهی از چارچوب فکری و سلیقه‌های مطالعاتی آنان در گروه‌های سنی مختلف

است. جدول زیر برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسل‌های زد و آلفا^۴ (Z and Alpha Generation) را به‌عنوان آینده‌سازان و جانشینان نسل‌های پیشین نشان می‌دهد:

جدول ۲: مهم‌ترین ویژگی‌های نسل‌های زد و آلفا (قدیری حاجی‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۸)

نسل زد	نسل آلفا
فردگرا/ آزاد/ اثرگذار	غوطه‌ور در تکنولوژی/ دارای سواد بالای دیجیتال
عدم تمایل به کار تیمی/ سرشار از خوداتکایی	نگاه فراجنسیتی/ عدم تمایل به درآمد ثابت
علاقه شدید به تکنولوژی و سرعت/ نوآور	خلاق/ کارآفرین/ مایل به هدایت کار تیمی

برخی از پژوهشگران ایرانی بر پایه نمونه تحقیق خود بر این باورند که اساساً چیزی به نام «نسل» یا «گروه‌های نسلی» وجود ندارد و چنین دسته‌بندی‌ها بیشتر جنبه کلیشه‌ای و افسانه‌ای دارد. شمس‌زارع و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود چنین استدلال می‌کند که افراد را صرفاً به‌خاطر هم‌دوره بودن و برخورداری از تجارب مشترک نمی‌توان دارای ویژگی‌های شخصیتی یکسان دانست. به بیان دیگر، هر الگوی نظری که بر کلیشه شباهت‌های اعضای یک نسل با یکدیگر و تفاوت‌های آن با نسلی دیگر صحه بگذارد، از اعتبار کافی برخوردار نیست. در بخش بعدی به مهم‌ترین نظریات جامعه‌شناسان ایرانی اشاره خواهیم کرد.

۳-۲. شاخص‌ها و معیارهای تمایز نسل‌های ایرانی

در ایران، مطالعات نسلی در دهه هفتاد شمسی به محفل‌های علمی وارد شد و پیش از آن تنها جنبه آماری داشت. واکاوی مجموعه مباحث مفهومی درخصوص نسل‌های ایرانی نشانگر شاخص‌های گوناگونی است که بر مبنای چارچوب ذهنی و افق فکری اندیشمندان این سرزمین شکل گرفته‌اند. برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از: «وضعیت مهاجرتی و محل تولد (نسل اول و فرزندان پس از مهاجرت)؛ جرگه‌های نسلی (مثلاً متولدین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰)؛ مراحل زندگی (کودکان، نوجوانان، بزرگسالان) و بالاخره دوره تاریخی (نسل قبل و بعد از جنگ)» (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۱۱). سرزمین چندفرهنگی و پهناور ایران در دهه‌های اخیر با رویدادهای گوناگونی روبه‌رو شده است که به‌عنوان مهم‌ترین ابژه‌های خاطره‌ای در حافظه جمعی و اذهان نسل‌ها ماندگار شده‌اند. از جمله مهم‌ترین رخداد‌های این دوران می‌توان به دوران حکومت شاهنشاهی، تأسیس نظام مقدس جمهوری اسلامی، جنگ هشت‌ساله ایران با عراق، دوران سازندگی پس از جنگ، اصلاحات و تغییرات تدریجی

فرهنگی، گسترش ارتباطات رسانه‌ای، فتنه‌آفرینی قدرت‌های بیگانه در فضای مجازی، اغتشاشات و آشوب‌های خیابانی اشاره کرد. آزاد ارمکی و غفاری (۱۳۸۳)، چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶) و کوثری (۱۳۸۷) نسل‌های ایرانی را باتوجه به ابژه‌های نسلی دسته‌بندی کرده‌اند. آزاد ارمکی (۱۳۸۹) معتقد است نسل‌ها ضمن اینکه با یکدیگر متفاوت‌اند و منافع متفاوت دارند، متحدند و این اتحاد از طریق عناصر فرهنگی و اجتماعی، که معطوف به ملت‌سازی، هویت‌سازی، فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی است، به دست می‌آید؛ نسل‌ها با یکدیگر تعامل دارند، همان‌طور که با یکدیگر تعارض منافع هم دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۹۳). وی در قالب نظریه «مناسبات بین نسلی» چنین بیان می‌کند: تفاوت نسل‌ها در جامعه ایرانی با توجه به وجود سه نسل سالمندان، میانسالان، و جوانان ناشی از عوامل بیرونی اثرگذار در خانواده، از قبیل رسانه‌های جمعی ملی و بین‌المللی، افزایش ارتباطات از طریق موبایل، ماهواره و اینترنت و نیز افزایش جمعیت جوان و نیازهای بالقوه دوره جوانی است (همان: ۱۳۲). ارمکی به وضعیت تفکیکی-تلفیقی به‌جای گسست نسلی در جامعه ایران باور دارد. این بدان معناست که وی هیچ صف‌بندی نسلی را برای این جامعه قائل نیست. آنچه در واقعیت دیده می‌شود، تمایز، تفاوت و تحرکات طبیعی نسلی است. ارمکی این‌گونه اظهار می‌دارد: «مسئله‌ای به نام شکاف فرهنگی وجود دارد تا شکاف نسلی؛ و این برمی‌گردد به خمیرمایه مطلبی تحت عنوان مدرنیته ایرانی... بدین معنا که جامعه ایرانی برای رسیدن به یک نقطه بالاتر در حال پوست‌اندازی است» (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۳۸). وی نسل‌ها را در دو موقعیت ویژه طولی و عرضی می‌بیند. در موقعیت نخست، نسل‌ها پشت‌سرهم قرار گرفته‌اند. این بدان معناست که از لحاظ زمانی در امتداد یکدیگر و دارای تجربه‌های تاریخی متفاوت‌اند. در موقعیت عرضی، نسل‌ها در کنار هم قرار دارند. به بیان دیگر، نسل‌ها در فضای واحدی از جمله خانواده، جامعه ایرانی، فرهنگ اسلامی، موقعیت توسعه یا توسعه‌نیافته جامعه ایرانی، جامعه شرقی و جامعه دارای تضاد زیاد واقع هستند. علاوه بر این، هرکدام از نسل‌ها، سرچشمه تغذیه برای نسلی دیگر و کارکردی ویژه دارند. نسل کهنسال، سرچشمه عاطفه، نسل میانسال خدمت‌رسان به جامعه و نسل جوان، خزانه نیرو هستند (همان: ۱۴۱). چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶) با بررسی مفاهیم نسل در پژوهش‌های شکاف نسلی به این نتیجه رسیده است که گونه‌ای درهم‌پیچیدگی و اغتشاش مفهومی و عملیاتی در این پهنه تحقیقاتی دیده می‌شود.

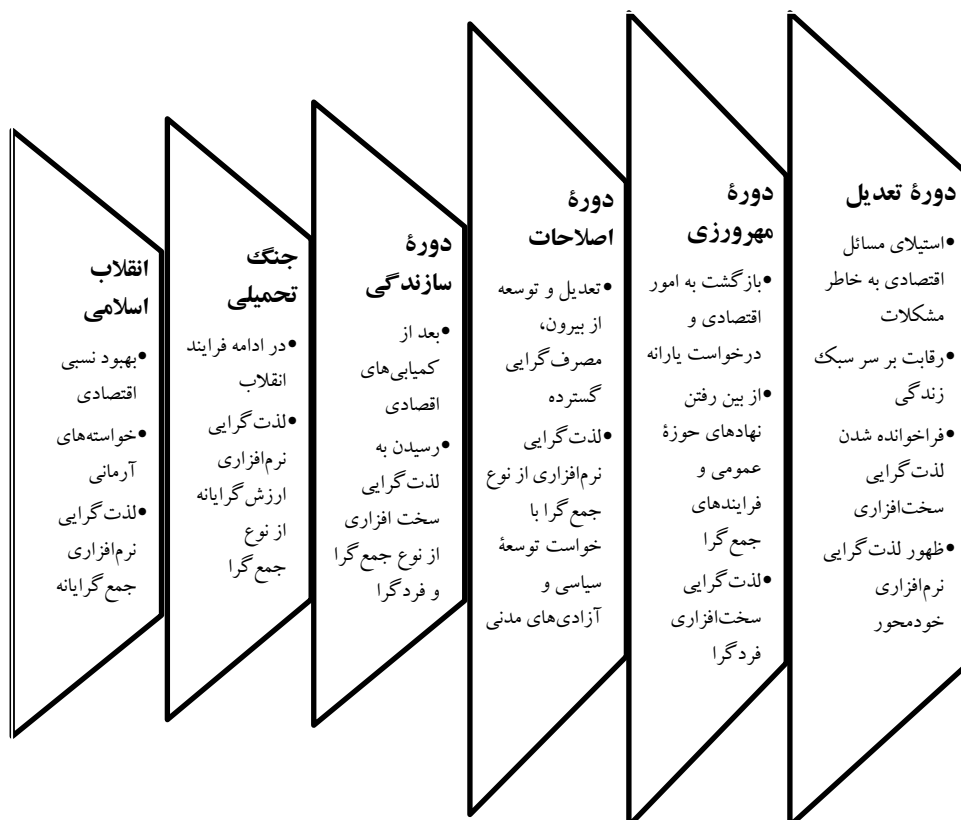
به بیان دیگر، هیچ میزان یا رویه واحدی برای دسته‌بندی‌ها وجود ندارد و به تعاریف پژوهشگران از مفاهیم، روش‌شناسی و شاخصه‌هایی که برای سنجش شکاف نسلی برگزیده‌اند بستگی دارد. وی در مقاله خود اشاره‌ای گذرا به نسل چهارم انقلاب (متولدین سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۹) دارد که دوران جامعه‌پذیری و نقش‌آفرینی آن از دهه نود شمسی آغاز خواهد شد. جعفرزاده‌پور (۱۳۹۶) گروه‌های سه‌گانه نسلی را که عبارت‌اند از جوانان، میانسالان و سالمندان به‌شکل خردتری تنظیم کرده است. وی بر این باور است که گروه‌بندی‌های موجود در پژوهش‌های پیشین، بسیار کلی هستند و به ابژه‌های نسلی محدود شده‌اند. جدول زیر، رسانه‌های دوران جامعه‌پذیری نسل‌ها را در طیفی از شنیداری تا تعاملی با تأثیرات گوناگون بر مخاطبان نسل خود نشان می‌دهد:

جدول ۳: دسته‌بندی نسل‌های فعال در عرصه اجتماع (جعفرزاده‌پور، ۱۳۹۶: ۱۴)

سن	دوره نسلی	رسانه دوران هویت‌یابی	ابژه نسلی دوران هویت‌یابی	گروه‌های فرعی نسلی	گروه‌های سه‌گانه اصلی نسلی
+۷۰	پیش‌تر-۱۳۲۵	رادیو، روزنامه	کودتای ۲۸ مرداد	نسل سختی	سالمندان
۵۶-۷۰	۱۳۲۶-۱۳۳۹	روزنامه، رادیو، تلویزیون	قیام پانزده خرداد، تجربه رژیم پهلوی	نسل انقلاب	
۴۲-۵۵	۱۳۴۰-۱۳۵۳	رادیو، تلویزیون، ضبط صوت	تجربه رژیم پهلوی، انقلاب اسلامی	نسل جنگ	میانسالان
۳۰-۴۱	۱۳۵۴-۱۳۶۵	تلویزیون، ویدئو، رایانه	تجربه جنگ، اوضاع پس از جنگ	نسل اول (نسل زادوولد)	
۱۹-۲۹	۱۳۶۶-۱۳۷۶	ویدئو، ماهواره، اینترنت، وبلاگ، موبایل، بازی‌های رایانه‌ای	جهانی شدن، بهبود اوضاع اقتصادی	نسل دوم (نسل گم‌شده X)	جوانان
۱۰-۱۸	۱۳۷۷-۱۳۸۵	شبکه‌های اجتماعی مجازی، موبایل هوشمند	تسریع و تسهیل ارتباطات و گسترش شبکه جهانی	نسل سوم (نسل رفاه)	

این مدل جدید بر پایه شاخصه‌هایی همچون تغییرات جمعیتی، تحولات ارتباطی و رسانه غالب هر نسل شکل گرفته است. توحیدلو (۱۴۰۰) در مقاله خود، صورت‌بندی نسلی گوناگونی را بررسی کرده است که در پژوهش‌های گذشته بر پایه دوره‌های زمانی، زمان‌های

اجتماع‌پذیری، کانون‌های همگرایی یا واگرایی انجام شده‌اند. وی با بهره‌گیری از نظریات «ذهنیت نسلی» کریستوفر بالس و «دوره‌های اجتماع‌پذیری» رونالد اینگلهارت، مدل نوینی از صورت‌بندی نسلی در نمودار زیر ارائه کرده است:



نمودار ۱: صورت‌بندی نسلی مبتنی بر گفتمان مرکزی نسل جوان (گفتمان لذت) (توحیدلو، ۱۴۰۰: ۵۲)

در راستای ارزش‌های مادی و فرامادی که اینگلهارت از آن‌ها نام برده است، توحیدلو، مفهوم کانونی لذت را گسترش می‌دهد و با تقسیم آن به دو نوع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در دوره‌های نسلی مختلف قرار می‌دهد. لذت‌های هر نسل می‌توانند درون‌گرا و بیرون‌گرا باشند. وی چنین بیان می‌کند:

وقتی لذت نرم‌افزاری معطوف به بیرون می‌شود، ارزش‌ها و اخلاق و یا وطن‌دوستی و وضعیت بهتر اجتماعی می‌تواند نتیجه‌اش باشد؛ اما زمانی که

این کمال‌گرایی و لذت‌جویی به درون منتقل شود، توجه به سبک زندگی و مصرف مقوله اصلی خواهد شد...، وقتی خواسته‌های مادی سمت‌وسوی توسعه و پیشرفت کلی کشور را داشته باشند... لذت سخت‌افزاری از نوع بیرونی است؛ اما زمانی که تنها برخورداری بیشتر فرد به هر طریقی مد نظر است، لذت سخت‌افزاری معطوف به درون و فرد خواهد بود (توحیدلو، ۵۰: ۱۴۰۰).

تفاوت سبک‌های زندگی لذت‌گرا با آرمان‌گرا، تعارضات گفتمانی نسل نو و نسل‌های پیش را افزایش داده و نیاز آنان به گفت‌وگوی سازنده با یکدیگر را دوچندان کرده است. هیچ گفتمان یا سبکی از زندگی بی‌نیاز از تعامل با نسل‌های پیش نیست و برای دستیابی به رشد و بالندگی باید از تجربیات زیسته پیشکسوتان خویش بهره‌مند شود. آثار برگزیده نمایانگر ابژه‌هایی هستند که سیر تحولات فکری را از دوران پیش از انقلاب اسلامی تاکنون در قالب داستان‌های مصور برای مخاطبان به نمایش می‌گذارند. این ابژه‌ها با گذشتن از مرزهای زمانی و مکانی در شکل‌گیری هویت جمعی آیندگان تأثیر بسزایی خواهند داشت. کریستوفر بالس این‌گونه بیان می‌کند: «مشارکت ما در امور نسل‌مان، صرفاً بخشی از زندگی فرهنگی ما را در بر می‌گیرد. درست همان‌طور که همه ما به درجات مختلف نیازمندیم که به دوره و زمانه خودمان تعلق داشته باشیم، به همان ترتیب نیاز داریم که در فرهنگ ماورای نسل خود سهیم شویم. منظورم این است که ما در جستجوی ابژه‌های فرهنگی با قدمتی چندصدساله و حتی چندهزارساله‌ایم» (بالس، ۱۳۸۰: ۲۵). در بخش بعدی به واکاوی ابژه‌ها در سه مقوله خاطره‌ها، باورها و رفتارها در آثار برگزیده می‌پردازیم.

۴. بحث و بررسی

۴-۱. حاج قاسم و جاسوس/ نویسنده: رحیم مخدومی شریانی / تصویرگر: سعیده تلخابی

۴-۱-۱. ابژه نسلی (باورها و نگرش‌ها)

فرهنگ هر سرزمین شامل ابژه‌ها، باورها و نگرش‌هایی است که از نسل‌های پیشین بر جای مانده است. در روان‌شناسی خانواده، ابژه‌ها به افرادی مهم، به‌ویژه مادر، در زندگی کودکان گفته می‌شود که عواطف و احساساتی را در آنان پدیدار می‌سازند. کودک با درونی‌سازی (Internalizing) عواطف حاصل از چنین روابط ابژه‌ای، ساختار روانی و رفتار خود را در

آینده شکل می‌دهد. ملانی کلاین، نظریه‌پرداز مشهور روابط ابژه، بر این باور است که «یک ابژه بیرونی خوب یا بد، یا تمامی ابژه یا بخشی از آن، به درون شخص، در خیال (پندار) منتقل می‌شود، به عبارت دیگر یک ابژه بیرونی، فرامودی درونی یا ذهنی پیدا می‌کند» (مزینانی، ۱۳۹۰: ۳۷). این داستان با معرفی خانواده سرمد شامل چهار فرزند به نام‌های مهدی، مهلا، صالح و سلما آغاز می‌شود. در تصویر ۱، تصویرگر با انتخاب رنگ‌های گرم نارنجی، قرمز و صورتی به فضای کودکانه درون تصویر افزوده است. کفگیر آشپزی در دستان خانم سرمد یکی از نشانه‌های ضمنی بر استمرار جایگاه ابژه‌محور زنان در جامعه است. یک روز، ناظم دبستان، آقای قشلاقی به خانم سرمد تماس می‌گیرد و در مورد آسیب‌دیدگی مهدی در بازی فوتبال مدرسه با وی گفت‌وگو می‌کند. واقعیت، چیزی جز یک درگیری کودکانه هنگام ورزش نیست و این مادر با رفتار خود می‌تواند الگویی برای فرزندش باشد. اما وی سراسیمه خود را به درمانگاه می‌رساند و با دیدن شکستگی دست فرزندش واکنشی نسنجیده نشان می‌دهد. مادر مهدی با نگرانی و دلسوزی بیش از اندازه، به روابط ابژه‌ای خود با مهدی آسیب می‌رساند و روحیه فرزندش را شکننده می‌سازد. بالاس این‌گونه اظهار کرده است: «والدین با معرفی خویشان و نیز ابژه‌هایشان به فرزندان خردسالشان، فرهنگی از ابژه‌ها را ارائه می‌کنند که نوجوانان با استفاده از آن، ذهنیت زمانه خودشان را به وجود می‌آورند» (بالاس، ۱۳۸۰: ۱۷). در تصویر ۲، انواع آب‌میوه و خوراکی‌های گوناگون در کنار مهدی قرار دارد و صالح، فرزند کوچک‌تر خانواده، بدون توجه به دست گچ‌گرفته و سر باندپیچی‌شده مهدی، دور میز عسلی می‌پلکد و از خودش پذیرایی می‌کند. رفتار فرصت‌طلبانه صالح، نماد رشد اندیشه لذت‌گرا در نسل وی است. مسئولان مدرسه و آقا اسماعیل، دایی مهدی، به خانه آقای سرمد می‌آیند. بیشتر مهمانان ذهنیتی پرسشگرانه به یک درگیری مختصر این دو کودک در مدرسه دارند. راوی داستان چنین نقل می‌کند: «بحث بزرگ‌ترها حسابی داغ شده بود. حرفشان بر سر این بود که چرا همچین اتفاقی افتاده؟! دانش‌آموزی که مهدی را هل داد، که بود؟ چرا همچین کاری کرد؟ اگر ضربه سر مهدی یه ذره محکم‌تر بود، چی می‌شد؟» (مخدومی، ۱۴۰۰: ۶). دایی مهدی، بدبینانه و فریادکنان، بر پایه واقعیت برساخته ذهن خود این‌گونه تهدید می‌کند: «باید اون دانش‌آموز خطاکار تنبیه بشه. چنان تنبیهی که تا آخر عمر یادش نره. باید از مدرسه اخراج

بشه. اون لیاقت نداره دانش آموز باشه. ما می‌ریم از دست پدرش شکایت می‌کنیم» (همان: ۷). تصویر ۳، مدیر، ناظم و پدر مهدی را نشان می‌دهد که رویکردی متفاوت به حادثه و شیوه فرزندپروری دارند. پدر مهدی چنین پیشنهاد می‌دهد: «اجازه بدین آقا مهدی یه چند روزی استراحت کنه، یه کم حالش بهتر بشه. ما هم فکرهامون رو روی هم بریزیم. به هر حال بزرگ‌تری داریم، ریش سفیدی داریم. مشورت می‌کنیم و ان شاءالله یک تصمیم خداپسندانه می‌گیریم» (همان: ۹). وی نگرشی منطقی نسبت به ویژگی‌های رفتاری نسل نو دارد و بر تجربیات زیسته نسل پیش از خود برای پایش چالش موجود تکیه می‌کند.



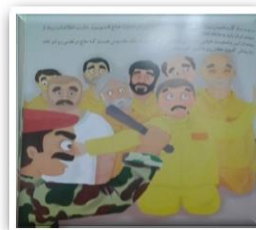
تصویر ۱. خانم سرمد تصویر ۲. مهدی و صالح تصویر ۳. دایمی مهدی و مسئولان مدرسه

به زعم بودریار، «تصاویر با پنهان ساختن سرشت حقیقت، آن را به حادواقعیت تغییر داده‌اند». ابژه توجه زیاد به فرزندان، خود را بر سوژه (تصویرگر) تحمیل می‌کند و میل به تصویر شدن دارد. رفتار نامناسب دایمی و ناتوانایی وی در مهار ذهن آشفته خویش، چنان تأثیری در دیدگاه مهدی می‌گذارد که بجای بخشش همکلاسی‌اش، عرشیا، در پی کین‌خواهی از اوست.

۴-۱-۲. ابژه نسلی (خاطره‌ها)

تصویرگر با سبک واقع‌گرا (رنالیستی) و رنگ‌آمیزی دیجیتال، از خاطره دوران اسارت حاج مرتضی حاج باقری الهام می‌گیرد تا ابژه‌های نسل جنگ همچون شجاعت و نوع‌دوستی را برای مخاطبان بازنمایی کند. در تصویر ۴، ابژه نسلی در قالب یک شیء، لباس زردرنگ دوران اسارت، توجه بینندگان کودک و نوجوان را به خود جلب می‌کند. به‌طور کلی، رنگ زرد «نشان روشنی و نور است... و از لحاظ سمبلیک با فهم و دانایی ارتباط دارد» (ایتن، ۱۳۷۸: ۲۱۰). تصویر ۵، حاوی ابژه‌هایی نسلی از جمله اتوبوس ایران‌پیمای دهه شصت، پوستر حضرت امام خمینی (ره)، شعارنوشته‌های انقلابی، سربند و پرچم یاحسین (ع) بر

پیشانی و در دستان آزادگان است که نقش کلیدی در انتقال ارزش‌های فرهنگی مانند ولایت‌مداری، ایثار و شجاعت به بینندگان نسل نو دارد. این آبژه‌ها با گذر از مرزهای تاریخی به زمان معاصر وارد می‌شوند و جایگاهی فرانسولی می‌یابند. در تصویر ۶، تئالیت‌های گوناگون رنگ سبز در لباس پاسداری شهید سلیمانی موجود در قاب عکس، روکش مبل، پیراهن‌های مهدی و آقا مرتضی نمایان می‌شود. در چرخه سنتی رنگ سبز به عنوان رنگی فرعی و سرد، نشانه «آرامش و امیدواری است. رنگ سبز آمیزشی است از دانش و ایمان» (همان: ۲۱۰). پدر بزرگ مهدی، آقا الیاس، که جانباز دوران دفاع مقدس است به دیدار نوه‌اش می‌آید تا او را نزد یکی از دوستانش، حاج مرتضی برد که پیش از این معاون شهید سلیمانی بوده است. آقا الیاس با اشیای سنتی مانند چغیه سپیدرنگ، تسبیح و انگشتری در دستانش نقش میانجی بین نسلی دارد تا نوه خود را با آبژه‌های نسل جنگ همچون گذشت و بخشندگی آشنا سازد. حاج مرتضی برای مهدی از دوران اسارتش می‌گوید که عراقی‌ها برای یافتن وی به شکنجه سایر اسیران پرداختند. در این میان، یکی از اسیران که توان روحی و جسمی کمتری نسبت به بقیه داشته است او را به عراقی‌ها لو می‌دهد. حاج مرتضی پس از شناسایی توسط عراقی‌ها، بسیار شکنجه می‌شود و تا مرز شهادت پیش می‌رود. فضای دیالکتیکی میان نسل جنگ و پس از جنگ در راستای این خاطره شکل می‌گیرد. به زعم کریستوفر بالس «دیالکتیک بین نسلی، همه ما را در خشونت، پذیرش و زایش فرهنگی درگیر می‌کند» (بالس، ۱۳۸۰: ۲۷). بحران نسلی در این داستان، مسیری مشابه با دیدگاه بالس را طی می‌کند.



تصویر ۴. اسرای ایرانی تصویر ۵. بازگشت آزادگان تصویر ۶. حاج مرتضی و نوه‌اش در خانه دوستشان

آبژه‌های موجود در خاطرات حاج مرتضی، پلی بر شکاف‌های نسلی می‌سازند تا نسل آلفا را که مهدی نماینده آن است با مکتب شهید سلیمانی پیوند دهد.

۳-۱-۴. ابژه نسلی (رفتارها و هنجارها)

پوشاک، یکی از نشانه‌های نمادینی است که اعضای هر نسل بر پایه آن‌ها ساختار ارتباطی و فرهنگی ویژه‌ای را شکل می‌دهند. در تصویر ۷، لباس پاسداری بدون درجه شهید سلیمانی و پیراهن‌های ساده نیروهای حزب‌اللهی را نشان می‌دهد.



تصویر ۸: بازگشت مهدی

تصویر ۷: شهید سلیمانی در جشن آزادگان

بازنمایی این ابژه‌های عینی توسط تصویرگر به منظور آشناسازی نسل نو با ذهنیت پاسداران انقلاب اسلامی در سال‌های پایانی دهه شصت و پایداری آنان به هنجارهای «برابری و برادری» در میان یکدیگر است. ابژه انتزاعی این نسل نیز در رفتار ایثارگرانه و پیروی آنان از فرمانده خود، شهید سلیمانی، در بخشش فردی است که عامل شناسایی حاج مرتضی و شکنجه وی توسط عراقی‌ها در دوران اسارت بوده است. تصویر ۸، مهدی را در کنار پدر بزرگش نشان می‌دهد که با ماشینی به رنگ آبی خاکستری فام در راه بازگشت به منزل هستند. این رنگ در ترکیب با پس‌زمینه سفید، نماد آرامشی روحی است که در سایه گفت‌وگوی نسل‌ها به دست می‌آید. راوی این‌گونه بیان می‌کند: «یاد شکنجه‌های حاج مرتضی او را آرام می‌کرد، از دردهای کوچک خودش خجالت می‌کشید. وقتی به انتقام از عرشیا فکر می‌کرد، یاد شیوه انتقام حاج قاسم می‌افتاد. مهدی تازه فهمیده بود؛ بابابزرگ با این کار حساب‌شده قصد داشته درس بزرگی به او بدهد» (مخدومی، ۱۴۰۰: ۲۷). ماجرای این ایثار، مهدی را به نسل پیش از خود و ابژه‌های فرهنگی آنان پیوند می‌دهد.

۲-۴. قهرمان به شکل خودم/ نویسنده و تصویرگر: کِلِر ژوبرت

۱-۲-۴. ابژه نسلی (خاطره‌ها)

در این اثر ادبی، نویسنده مسلمان فرانسوی، کِلِر ژوبرت، با قلمی پرتوان، تسلط کم‌نظیر بر زبان پارسی و هنر تصویرگری خویش تلاش می‌کند تا نسل نو را با منش فردی شهید حاج قاسم سلیمانی و راه و رسم پهلوانی آشنا سازد. ماجرای این داستان حول محور دو

شخصیت، کودکی خردسال و پدربزرگش، می‌چرخد که در خانه‌ای ساحلی مشغول نقاشی چهره شهید سلیمانی هستند. کودک با شهید سلیمانی، ابژه مشهور نسل پیش از خودش، تا اندازه‌ای آشناست. وی به‌عنوان راوی اول شخص داستان، این‌گونه روایت می‌کند: «به خانه ساحلی بابابزرگ آمده‌ام تا چند روز پیش او بمانم. توی آخرین نقاشی‌اش حاج قاسم لبخند می‌زند. یاد چیزهایی که از او شنیده‌ام می‌افتم و می‌گویم: کاش من هم می‌توانستم قهرمان بشوم» (ژوبرت، ۱۴۰۱: ۴). پدربزرگ تلاش می‌کند تا بر پایه خاطراتی که از زندگی‌نامه خودنوشت شهید سلیمانی خوانده است، نوه خود را با ارزش‌ها و هنجارهای نسل خود آشنا سازد. وی به کودک خردسال خود چنین می‌گوید: «وقتی [شهید سلیمانی] کمی بزرگ‌تر از تو بود، پدرش به مشکل سختی افتاد. برای کشاورزی‌اش پول قرض کرد، ولی نتوانست آن را پس بدهد. برای همین، قاسم تصمیم گرفت در حد خودش به پدرش کمک کند» (همان: ۱۵). تصویر ۹، قاب رنگی حاوی عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» را در گوشه سمت راست تصویر نشان می‌دهد که ابژه‌ای دینی است و در قالب شیء به‌صورتی عینی توجه بینندگان را به خود جلب می‌کند. پدربزرگ به‌عنوان مرجعی فکری، نقش مهمی در جامعه‌پذیری نوه خود دارد. کریستوفر بالس چنین بیان می‌کند: «نسل والدین، فرهنگ پدر و مادری خاص خودش را ایجاد می‌کند، و این فرهنگ عبارت است از همان محیطی که کودکان در آن می‌زیند و خود را می‌شناسند» (بالس، ۱۳۸۰: ۸). پدربزرگ، نوه‌اش را به نقاشی چهره شهید سلیمانی تشویق می‌کند تا وی را با ابژه فرهنگی-سیاسی نسل خود آشنا سازد. در تصویر ۱۰، لبخند شهید سلیمانی نماد شادی روان پاک شهدا از تحرک نسل‌ها به‌سوی نهضت بیداری اسلامی است.



تصویر ۱۰: نقاشی از چهره شهید سلیمانی

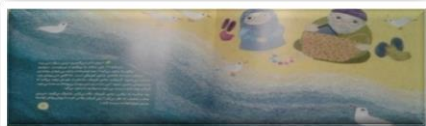


تصویر ۹: کودک و پدربزرگ

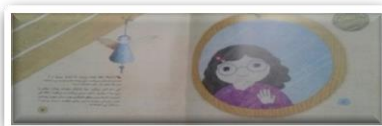
البته این داستان مانند بسیاری از آثار حوزه ادبیات کودک کاستی‌هایی دارد. برای مثال، زمان و مکان وقوع داستان و علت تنهایی پدربزرگ از جمله مواردی هستند که در هاله‌ای از ابهام قرار دارند. کِلِر ژوبرت با تأکید بر ایجاز، این‌گونه اظهار می‌کند: «کتاب‌های تصویری محدودیت حجم متن دارند تا جای کافی برای تصاویر باقی بماند...» در داستان کودک باید حوصله محدود مخاطب را در نظر گرفت و از قید جزئیات غیرضروری پرهیز کرد» (دست‌نوشته‌های نویسنده، ۱۴۰۳). در تصویر ۹، مداد رنگی در دست چپ کودک قرار دارد و پدربزرگ وی نیز مشغول نقاشی سیاه‌قلم با مداد است. این ابژه‌های بصری می‌توانند عناصری برگرفته از زندگی شخصی نویسنده و تصویرگر این داستان باشند. اما ژوبرت، هرگونه دلالت این عناصر بر سرشت زندگی‌نامه‌ای داستان را ناخواسته می‌داند: «اینکه در بعضی از تصاویر [درون داستان‌هایم]، کودکی چپ‌دست می‌کشم، به این خاطر است که بچه‌های چپ‌دست هم حضور داشته باشند. اما [این موضوع]، اشاره‌ای به ایام کودکی‌ام نبود مگر به صورت ناخودآگاه» (همان). در این متن ادبی، ابژه‌های سستی و مدرن باهم درمی‌آمیزند تا قهرمانان نهضت مقاومت اسلامی همچون شهید سلیمانی را برای نسل نو بازنمایی کنند.

۴-۲-۲. ابژه نسلی (باورها و نگرش‌ها)

در این داستان، پدربزرگ، جعبه مرواریدی را برای نوه‌اش از انباری خانه می‌آورد. مروارید، ابژه نمادین است تا پدربزرگ، ذهنیت نسل خود را به نوه خود انتقال دهد. به زعم بالس «نسل نوظهور با ابژه‌هایی بازی می‌کند که نسل والدین در اختیارش می‌گذارند...» والدین با فراهم کردن این ابژه‌ها، هویت جمعی خود را ناآگاهانه به فرزندان منتقل می‌کنند» (بالس، ۱۳۸۰: ۲۲). شیوه نگرش پدربزرگ به نسل نو در گفتمان صمیمانه وی با این کودک خردسال نمایان می‌شود: «نگاه کن نازنینم! سال‌ها پیش موقع ماهیگیری توی دریای جنوب پیدایش کردم. می‌دانی مروارید به این زیبایی چطوری درست می‌شود؟» (ژوبرت، ۱۴۰۱: ۷). در تصویر ۱۱، آینه، نماد روح پاک و شفاف کودک است که در راه موفقیت به راهنمایی والدین نیاز دارد. فرشته کاغذی، ابژه‌ای عینی از قلمرو معنوی است که یادآور همراهی عناصر فراطبیعی در رستگاری انسان هستند. در تصویر ۱۲، پدربزرگ از نوه‌اش می‌خواهد تا در فضای مجازی با روند شکل‌گیری مروارید آشنا شود.



تصویر ۱۲: کودک و پدر بزرگ در ساحل دریا



تصویر ۱۱: کودک و فرشته کاغذی

کودک با بهره‌گیری از تبلیت، ابژه ارتباطی نسل نو، متوجه می‌شود که درون هر صدف، جانور کوچکی زندگی می‌کند. این موجود زنده با ورود شن به داخل صدف، ماده‌ای تولید می‌کند که روی آن را بپوشاند و به مروارید تبدیل کند. تلاش این جانور در رویارویی با چالش‌های پیش رو، الگویی برای جامعه‌پذیری کودک و رشد اخلاقی وی می‌شود.

۳-۲-۴. ابژه نسلی (رفتارها و هنجارها)

آموزه‌های اخلاقی پدر بزرگ به مثابه ابژه‌های رفتاری نسل وی در کنار ابژه‌هایی مانند جانور درون صدف، آثاری ماندگار در روح کودک بر جای می‌گذارند و ابزارهایی مهم در شکل‌دهی به شخصیت وی هستند. وی در مورد جانور درون صدف به نوه‌اش چنین می‌گوید: «می‌بینی چقدر ضعیف به نظر می‌آید؟ ولی آن‌قدر تلاش کرده تا یواش یواش توانسته چیزی فوق‌العاده درست کند» (همان: ۱۱). تصاویر زیر نمایانگر روابط ابژه‌ای رضایت‌بخش و تعامل سازنده نسل‌ها با یکدیگر هستند. کودک در پایان داستان یاد می‌گیرد که هر شخصی با بردباری و تلاش می‌تواند قهرمان زندگی خود شود.



تصویر ۱۳: کودک در آغوش پدر بزرگ



تصویر ۱۴: کودک پس از نقاشی

در تصویر ۱۴، چهره شهید سلیمانی به عنوان ابژه‌ای فرهنگی و فرانسلی در آینه دیده می‌شود که یادآور مکتب ارزشی وی و عامل پیوند هویتی پدربزرگ با نوه‌اش است. رفتار صمیمانه کودک داستان نسبت به پدربزرگ خویش نشانگر استمرار هنجارهای اخلاقی نسل‌های پیش در سبک زندگی نسل نو است.

۳-۴. سیب آخر/ نویسنده: محمد خسروی راد/ تصویرگر: وحید خاتمی

۱-۳-۴. ابژه نسلی (خاطره‌ها)

سیب آخر، داستان کودکی به نام حناست که خاطره سیل ویرانگر خوزستان را به عنوان ابژه‌ای نسلی روایت می‌کند. تصویر ۱۵، مربوط به جلد کتاب است که با سبک نقاشی واقع‌گرا (رئالیستی)، دختر خردسالی را نشان می‌دهد که به دنبال همیاری و کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان است. ابژه‌های عینی سیب قرمز و دختر در پس‌زمینه سبز، تلمیحی به ماجرای میوه ممنوعه و اغوای حوا توسط شیطان اشاره دارد که خاطره آن همچنان در حافظه جمعی نسل‌های بشر زنده است. با این تفاوت که در سیب آخر، این میوه بهشتی، عامل همگرایی نسل‌ها و مایه پیوند آنان با مکتب شهید سلیمانی است.



تصویر ۱۵: جلد کتاب

جان میلتون در پیشگفتار حماسه ادبی فردوس/زدست‌رفته (۱۶۶۷)، در مورد «جنگ شیطان با خداوند، سقوط شیاطین، شرح بهشت عدن، علل نافرمانی آدم و حوا، اخراج آنان از بهشت عدن و امید به رستگاری آنان» سخن گفته است (ابجدیان، ۱۳۸۲، ج ۹: ۲۵۹). این شاعر برجسته انگلستان، حضرت عیسی (ع) را انسانی بزرگ‌تر می‌داند که برای جبران گناه ازل‌ی بشر، نافرمانی از دستورات پروردگار، خواهد آمد. مضمون رستگاری بشر، ابژه‌ای فرانسلی است که در حماسه ادبی فردوس/زدست‌رفته و داستان سیب/آخربه شیوه‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شود. در این آثار ادبی، ابژه‌هایی نجات‌بخش به یاری انسان‌ها می‌آیند تا روح امید را در دل آنان زنده کنند. در داستان سیب/آخربه، شهید سلیمانی، ابژه‌ای فرانسلی است که خاطره امیدآفرینی وی در دل‌های سیل‌زده‌گان استان خوزستان و بازماندگان آنان جاویدان خواهد ماند.

۴-۳-۲. ابژه نسلی (باورها و نگرش‌ها)

کریستوفر بالس در مورد تفاوت‌های هویتی نسل‌ها چنین اظهار داشته است: «اگرچه هر نسلی عمرش را به شیوه خاصی طی می‌کند، تعبیر خاصی از حیاتش دارد و موجودیتش را به نحو خاص خودش اعلام می‌کند... همه ما در برهه‌ای از نوجوانی به مشارکتمان در فرایندی جمعی وقوف می‌یابیم؛ فرایندی که تعبیری از دوره و زمانه‌مان ارائه می‌کند» (بالس، ۱۳۸۰: ۱۳). اگرچه پدر حنا به توانایی‌های دخترش باور ندارد، این دختر نوجوان سبدهی پر از سیب‌های قرمز را آماده می‌کند تا به شیوه خودش در امدادسانی به سیل‌زده‌گان مشارکت کند. باورها و نگرش‌های نسل آلفا در گفت‌وگوی حنا با پدرش آشکار می‌شود: «بابا! من یک فکر خوب دارم! من می‌توانم به آن‌ها کمک کنم؛ اما نه مثل شما، مثل خودم!» (خسروی راد، ۱۴۰۱: ۶). تصویر ۱۶، فضای جنوب سیل‌زده ایران را با بهره‌گیری از عناصر نشانه‌ای همچون جاده آب‌گرفته، درختان نخل، زنی نگران با کودکش و ماشین‌های فرورفته در آب نشان می‌دهد.



تصویر ۱۶: سیل خوزستان و امدادسانی

جایگاه‌های چندگانه و سیالِ نگرستن، بینندگان را در متن داستان به پیش می‌برند. مخاطبان از چشم‌انداز خود و از نگاه شخصیت‌ها به این ابژه‌های بصری می‌نگرند و با راوی داستان هم‌ذات‌پنداری می‌کنند تا به باورها و نگرش‌های وی پی ببرند.

۳-۳-۴. ابژه نسلی (رفتارها و هنجارها)

حوادث طبیعی، ابژه‌های خاطره‌انگیز یک نسل را می‌آفرینند و درس‌هایی آموزنده‌ای را برای آنان به ارمغان می‌آورند. شهید سلیمانی بر پایه مشاهدات عینی خود از سیل خوزستان و حضور در آن دیار مقاومت چنین فرمود: «سیلی در مقابل سیل...، پادزهر آن سیل، سیل دیگری بود؛ سیل همت، سیل انسانی». در ادامه داستان، حضور بابرکت شهید سلیمانی در میان مردم آن منطقه، نوری از امید را در دل‌های سیل‌زدگان می‌تاباند. حنا، آخرین سیب را به سردار دل‌ها هدیه می‌دهد و دلیل این کار را این‌گونه برای پدر خود بیان می‌کند: «حاج قاسم هم مثل بچه‌ها بود...!، آخر حاج قاسم بچه‌ها را خیلی دوست داشت» (خسروی راد، ۱۴۰۱: ۲۳). ابژه‌های نسلی با کارکردهای متفاوتی نزد نسل‌ها معنا یافته یا معنایی را از دست می‌دهند. در تصویر ۱۷، تنالیه‌های کاجی، لیمویی و سرخسی از رنگ سبز، نماد هماهنگی، آرامش و صلح هستند که در تقابل با اضطراب و نگرانی حاصل از پدیده سیل قرار می‌گیرند.



تصویر ۱۷: شهید سلیمانی در میان سیل‌زدگان خوزستان

در اطراف شهید سلیمانی، کودکان بسیاری نشسته‌اند و برخی از آنان چغیه بر دوش دارند. چغیه، دستار مشترک بسیاری از کشورهای مسلمان همچون عراق، پاکستان، مصر و فلسطین است که با نام‌های کوفیه، شماغ، غتره و مصار نیز شناخته می‌شود. این ابژه فرهنگی که به‌لحاظ معنوی و کاربردی، جایگاه ویژه‌ای در میان ایرانیان نسل انقلاب و دفاع مقدس دارد، در گيرودار تحركات نسلی و تغییرات فرهنگی، چارچوب جدیدی را برای شکل‌دهی به ذهنیت نسل نو می‌سازد. به زعم تقی آزاد ارمکی، «تحرك نسلی که بیشتر در ابژه‌ها خودنمایی

می‌کند با دو فرایند تفکیک و تلفیق نسلی صورت می‌گیرد. از یک طرف، با انتخاب ابژه‌های ویژه تفکیک نسلی صورت می‌گیرد و از طرف دیگر با انتخاب ابژه‌های مشترک بین نسلی تلفیق و سازگاری و پیوند بین نسلی شکست می‌گیرد. علت بروز کارکرد بین نسلی برای ابژه‌ها به نوع آن برمی‌گردد، زیرا بعضی از ابژه‌ها فرانسلی فرامگانی و فرازمانی هستند» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۱۸۸). در این داستان، عقلانیت، خودفراموشی و آخرت‌اندیشی مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی هستند که در اسطوره‌هایی همچون شهید سلیمانی دیده می‌شوند و تجربه زیسته وی به نسل نو می‌آموزد که در موقعیت‌های دشوار نیز می‌توان خوش‌بین و امیدوار به آینده بود. چنانچه یک شخصیت مشهور که به‌عنوان ابژه یک نسل شناخته می‌شود، بیش از آنکه مرد میدان سخن باشد، مرد میدان عمل شود، مرزهای مکانی و زمانی را درمی‌نوردد و همچون شهید سلیمانی به ابژه‌ای فرانسلی تبدیل می‌شود. در این داستان، همدلی و علاقه کودکان به سردار سلیمانی نشان می‌دهد که نسل نو افرادی را به‌عنوان الگوهای رفتار اجتماعی برمی‌گزینند که در میان سایر الگوهای موجود در عصر فعلی از اخلاص و پایبندی بیشتری به ارزش‌های انسانی برخوردار باشند.

۴-۴. حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها / نویسنده: رحیم مخدومی شریانی / تصویرگر: سحر

پری‌رخ

۴-۴-۱. ابژه نسلی (خاطره‌ها)

داستان حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها به رویداد حملات هوایی آمریکا به کشورهای یمن، لبنان، سوریه، عراق، فلسطین، افغانستان می‌پردازد که در حافظه جمعی ساکنان این سرزمین‌ها به‌عنوان ابژه‌ای نسلی و خاطره‌ای دردناک شناخته می‌شود. نام‌آوایی که در این داستان بکار رفته‌اند با نمادهای اندیشگانی موجود در تصاویر کتاب هماهنگ هستند و واقعیت‌های جهان امروز را ترسیم می‌کنند. نویسنده، خاطرات تلخ تهاجم آمریکا به یمن را این‌گونه روایت می‌کند: «بچه‌ها شاد بودند. با اسباب‌بازی‌هایشان خانه می‌ساختند، مدرسه می‌ساختند، بازی می‌کردند و آواز می‌خواندند: بام بام بام، بام بام بام، ناگهان صدای وحشتناکی بچه‌ها را ترساند و شادی را به غم تبدیل کرد. بُم بُم بُم، بُم بُم بُم» (مخدومی، ۱۴۰۱: ۶). تصویر ۱۷، شادی سه کودک در پشت‌بام خانه‌ای با سبک معماری اسلامی در شهر صنعاء، پایتخت یمن را نشان می‌دهد. واژه صنعاء به معنای «کاخ مستحکم»، بسان اثری هنری و یکی از قدیمی‌ترین

مکان‌های جهان است که در جنوب شبه‌جزیره حجاز قرار دارد. تصویرگر با استفاده از رنگ‌های گرم نارنجی، زرد، کرم و قهوه‌ای که نماد شادی، آرامش و امنیت هستند به تأثیر این عنصر نقاشی در جهت‌دهی به خیال‌پردازی کودکان توجه داشته است.



تصویر ۱۷: کودکان یمن و هواپیمای اسرائیلی



تصویر ۱۸: کودکان یمن در پشت بام منزل

تصویر ۱۸، سه کودک لبنانی را در حال پیاکوبی برای جشن میلاد پیامبر اعظم (ص) نشان می‌دهد. در گوشه سمت راست تصویر، هواپیمای جنگنده آمریکایی به رنگ سیاه مشاهده می‌شود که به‌عنوان نماد قدرت‌های اهریمنی، امکان فراتر رفتن ذهن بیننده از لایه سطحی متن به معانی پنهان آن را فراهم می‌سازد. از مهم‌ترین ویژگی‌های هنری این تصویر می‌توان به ترکیبات رنگی غنی، غلبه حجم شمالی بر نوشتاری، وجود ریزنقش‌ها در فضای خالی و بهره‌گیری از عناصر تضاد و اغراق اشاره کرد.

۴-۴-۲. ابژه نسلی (باورها و نگرش‌ها)

در این داستان، نویسنده به وجود حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان ابژه‌ای نجات‌بخش برای نسل نو باور دارد. پس از وقوع هر بحران، وی به مردی اشاره می‌کند که به یاری کودکان ستمدیده فلسطینی، عراقی، یمنی و لبنانی خواهد آمد و مرهمی بر دردهای آنان خواهد شد. تصویر ۱۹، هواپیمای سیاهی را نشان می‌دهد که شبیه نهنگ است و بازتاب خنده خلبان آمریکایی در آن مشاهده می‌شود. تصویرگر، عناصر فانتزی و سورئالیستی را با یکدیگر آمیخته است تا

بر فضای وهم‌آلود و هولناک بمباران هوایی بیفزاید.



تصویر ۱۹: هواپیمای دشمن شبیه نهنگ



تصویر ۲۰: کودکان فلسطینی

در تصویر ۲۰، نویسنده چنین روایت می‌کند: «بچه‌های فلسطین، تلویزیون تماشا می‌کردند. بازهم صدای ترسناک آمد. نور تلویزیون رفت. بچه‌ها خیلی ناراحت شدند. یک مرد دوان‌دوان خودش را به بچه‌ها رساند. هواپیما رفته بود» (مخدومی، ۱۴۰۱: ۱۳). این مرد آزادی‌بخش و ابژه فرامگانی، همان شهید سلیمانی است که در مدل شخصیت‌شناسی کارل یونگ، روان‌شناس سوئیسی، به‌عنوان کهن‌الگوی «حامی» و «عاشق» شناخته می‌شود. تصویرگر با استفاده از تضاد رنگی میان کبوتر سپید و هواپیمای سیاه تلاش کرده است تا قوه تفکر و تعقل کودکان را نسبت به اعمال پلید استکبار جهانی برانگیخته سازد.

۴-۳. ابژه نسلی (رفتارها و هنجارها)

در این داستان، شهید سلیمانی دفتر و انگشتی در دست دارد که نماد مکتب اوست. در تصویر ۲۱، وی کاغذهای سفیدی را از این دفتر جدا می‌کند تا برای کودکان یمنی، لبنانی، سوری، عراقی، فلسطینی و افغانستانی بفرستد. در تصویر ۲۲، کودکان با کاغذهای دفتر، موشک‌هایی را می‌سازند و به سمت هواپیمای مهاجم آمریکایی پرتاب می‌کنند. سرانجام،

هوایما سرنگون می‌شود و بار دیگر شادی ازدست‌رفته به کودکان ستم‌دیده بازمی‌گردد. البته، این آرامش و امنیت برای کودکان به بهای شهادت حاج قاسم سلیمانی به دست می‌آید (ر.ک: تصویر ۲۳). راوی چنین بیان می‌کند: «خلبان‌های آمریکایی از دفتر نقاشی حاج قاسم عصبانی شدند. آن‌ها با چند هوایمای سیاه به دفتر حاج قاسم حمله کردند. دفتر برگ‌برگ شد» (مخدومی، ۱۴۰۱: ۱۳). رفتار دلسوزانه در زمان حیات و مکتب برجام‌انده از وی پس از شهادت، سردار سلیمانی را به ابژه‌ای بین‌المللی تبدیل می‌کند که مایه پیوند نسل نو با نسل دفاع مقدس است.



تصویر ۲۳: شهادت شهید سلیمانی



تصویر ۲۲: شهید سلیمانی در میان کودکان



تصویر ۲۱: شهید سلیمانی در میان لاله‌ها

۵. یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به دنبال یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها در ذهنیت نسلی است، پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا مصادیق بارز آن‌ها را در ابژه‌های نسلی موجود در آثار برگزیده جست‌وجو کنند. ابژه‌های موجود در سه حوزه خاطره‌های مربوط به شهید حاج قاسم سلیمانی، رفتارهای بین نسلی و نگرش‌ها جلوه‌گر شده‌اند. داستان قهرمان به شکل خودم، بیشترین درصد از ابژه‌های باورها (۴۱/۶۶) و خاطره‌ها (۳۳/۳۳) را نسبت به سایر آثار ادبی به خود اختصاص داده است و کمترین درصد از این ابژه‌ها، به ترتیب، در داستان حاج قاسم و جاسوس (۳۳/۳۳) و سیب آخر (۲۵) مشاهده می‌شوند. ابژه رفتارها بالاترین بسامد را در داستان حاج قاسم و جاسوس (۳۸/۰۹) و کمترین درصد را در داستان قهرمان به شکل خودم (۲۵) دارد.

جدول ۴: آبژه‌های نسلی در داستان‌های برگزیده

آبژه‌های نسلی	قهرمان به شکل خودم	سیب آخر	حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها	حاج قاسم و جاسوس
(خاطره‌ها)	۴	۲	۵	۶
(باورها و نگرش‌ها)	۵	۳	۶	۷
(رفتارها و هنجارها)	۳	۳	۴	۸
جمع کل	۱۲	۸	۱۵	۲۱
درصد آبژه نسبت به دیگر انواع آبژه‌ها	خاطره‌ها	۳۳/۳۳	۲۵	۲۸/۵۷
	باورها	۴۱/۶۶	۳۷/۵۰	۳۳/۳۳
	رفتارها	۲۵	۳۷/۵۰	۳۸/۰۹

جدول (۵) نشان می‌دهد که «نوع دوستی» و «مردم‌داری» حضور پررنگ‌تری در میان مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی دارند.

جدول ۵: مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی در داستان‌های برگزیده

مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی	قهرمان به شکل خودم		سیب آخر		حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها		حاج قاسم و جاسوس	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ولایت‌مداری	۱	۵/۸۸	۱	۵/۵۵	۱	۸/۳۳	۳	۱۷/۶۴
نوع دوستی	۲	۱۱/۷۶	۴	۲۲/۲۲	۴	۳۳/۳۳	۶	۳۵/۲۹
خداباوری	۱	۵/۸۸	۱	۵/۵۵	۱	۸/۳۳	۱	۵/۸۸
مردم‌داری	۱	۵/۸۸	۶	۳۳/۳۳	۱	۸/۳۳	۱	۵/۸۸
سخت‌کوشی	۴	۲۳/۵۲	۱	۵/۵۵	۱	۸/۳۳	۱	۵/۸۸
شجاعت	۲	۱۱/۷۶	۱	۵/۵۵	۱	۸/۳۳	۲	۱۱/۷۶
امیدآفرینی	۳	۱۷/۶۴	۱	۵/۵۵	۱	۸/۳۳	۱	۵/۸۸
تحول‌خواهی	۲	۱۱/۷۶	۱	۵/۵۵	۱	۸/۳۳	۱	۵/۸۸
عقلانیت جمعی	۱	۵/۸۸	۲	۱۱/۱۱	۱	۸/۳۳	۱	۵/۸۸
جمع کل	۱۷	۹۹/۹۶	۱۸	۹۹/۹۶	۱۲	۹۹/۹۷	۱۷	۹۹/۹۷

جدول ۶: رسایی و نارسایی کارکرد تصاویر و متون در داستان‌های برگزیده

کارکرد تصویر	تعداد کل تصاویر در کتاب داستان	افزودن بر اطلاعات	تأیید اطلاعات	نارسایی
قهرمان به شکل خودم	۱۰	۱	۸	۱
سیب آخر	۱۰	۳	۶	۱
حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها	۱۱	۱	۷	۳
حاج قاسم و جاسوس	۱۳	۲	۱۰	۱
جمع در کل داستان‌ها	۴۴	۷	۳۱	۶
درصد نسبت به کل تصاویر در داستان‌ها	۹۹/۹۸	۱۵/۹۰	۷۰/۴۵	۱۳/۶۳

در این آثار، متن و تصویر در دو صفحه گسترده شده بودند. نگارندگان این جستار، با وام‌گیری اصطلاح کاربردی برگرفته از صاحب‌نظرانی این حوزه همچون نیکولایوا (۲۰۰۰) و اسکات (۲۰۰۶)، این موارد را «دوگستره» نام می‌نهند (حسام‌پور و مصلح، ۱۳۹۲: ۵۰). جدول (۶) نشان می‌دهد که نارسایی ارتباط تصویر و متن از بسامد پایینی (۱۳/۶۳ درصد) برخوردار است. شاخصه تأییدگری میان متن و تصویر هم سهم بالایی (۷۰/۴۵ درصد) در رسایی این ارتباط دارد.

۶. مقایسه توزیع فراوانی

در این بخش به بررسی تفکیکی فراوانی ابژه‌های نسلی و مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی در داستان‌های منتخب می‌پردازیم و با استفاده از آزمون خی‌دو، فرضیه پژوهش را محک می‌زنیم.

جدول ۷: مجموع توزیع فراوانی مؤلفه‌های هر دو جدول در حکایت‌های بُهلول

مقادیر باقی‌مانده	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده‌شده	ابژه‌های نسلی
۶۹	۱۲۵	۵۶	ابژه‌های نسلی
۶۱	۱۲۵	۶۴	مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی
		۱۲۰	جمع کل

جدول ۸: جدول آزمون خی دو

مقادیر	روش
۴۲۸۱ ^a	آماره خی ۲
۱	درجه آزادی (df)
۰/۰۳۹	سطح معنی داری (Sig)

نتایج حاصل از آزمون خی دو در جدول (۸) نشان می‌دهد که با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری متناظر، کمتر از ۵/۰۵ یعنی معادل (۰/۰۳۹) است، میان جمع کل فراوانی ابژه‌های نسلی و مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی در داستان‌های منتخب تفاوت معناداری وجود دارد.

۷. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- در داستان‌های حاج قاسم و جاسوس (۱۴۰۱)، قهرمان به شکل خودم (۱۴۰۱)، سیب آخر (۱۴۰۱) و حاج قاسم و پرواز تقاشی‌ها (۱۴۰۱)، برهم‌کنش متن و تصویر مایه پیوند نویسندگان با مخاطبان کودک و نوجوان می‌شود. شاخصه تأییدگری در داستان‌های منتخب، سهم بسیار زیادی در ارتباط تصاویر با متون ادبی دارد. بیشتر تصاویر به دلیل برخورداری از رسایی لازم، زمینه‌های پیوند نویسنده با مخاطب را فراهم می‌آورند. اما پیشنهاد می‌شود که در چاپ‌های بعدی، تصاویری در این داستان‌ها آورده شوند که اطلاعاتی فراتر از متن را در اختیار بینندگان قرار دهند. با توجه به مفروضاتی که نویسندگان و تصویرگران از آگاهی یا عدم آگاهی خوانندگان داشته‌اند، شکاف‌هایی صوری از معانی را در لایه‌های پنهان متنی و تصویری این داستان‌ها قرار داده‌اند تا مخاطبان به یاری ذهن پویای خویش آن‌ها را پر کنند و به هم پیوندی عناصر قراردادی (واژگان) و شمایی (تصاویر) این آثار بیفزایند. این فرایند پیچیده و لذت‌بخش به رشد اندیشگانی

مخاطبان کمک می‌کند تا آنان با اُبژه‌های نسلی و ارزش‌های اخلاقی پیشگامان خود آشنا شوند.

● بر پایه نظریه «ذهنیت نسلی» کریستوفر بالِس (۱۹۹۳)، افراد جامعه درون پهنه‌ای از اُبژه‌ها قرار دارند که دربرگیرنده خاطره‌ها، نگرش‌ها، رفتارها، علایق و ذوق و سلیقه نسل‌هاست. اُبژه‌های نسلی، پیشینه‌ای دیرینه به وسعت تاریخ زندگی بشر در این چرخ گردون دارند. متون ادبی، آینه‌ای تمام‌نما از اُبژه‌های نسلی هستند که تغییرات پیوسته در زندگی را گاهی به شکل پیوند نسل‌ها و گاهی در قالب گسست آنان از مرام گذشتگان و آیین پیشینیان نشان می‌دهند. اُبژه‌های همگانی، تصاویر ذهنی مشترک هستند که در سپهر مشترک میراث جهانی قرار دارند و افراد را در فضای فرانسلی وارد می‌سازند تا به نیازهای آن‌ها برای بودن در نظم کیهانی و همکاری با سایر نسل‌ها پاسخ دهند. به بیان دیگر، اُبژه‌ها در فضای گفتمانی فزاینده‌ای به پیش می‌روند که گذشته را به آینده پیوند می‌دهد و در شکل‌گیری دیدگاه‌های جمعی نقش عمده‌ای دارد. گاهی اُبژه، نسلی پیشین در میان اُبژه‌های نسل امروز نیز جای خود را پیدا می‌کنند.

● داستان‌های برگزیده در فضاهای ناهمگن اجتماعی شکل گرفته‌اند و میان اُبژه‌های نسلی تفاوت آشکاری دیده می‌شود. در داستان‌های مصوّر برگزیده، شهید سلیمانی از یک نظامی مجاهد با ملیت ایرانی به چهره‌ای بین‌المللی و اُبژه‌ای فرانسلی تبدیل می‌شود که به همه مسلمانان جهان تعلق دارد. وی در این متون ادبی به‌عنوان مرجع فکری، رفتاری و الگویی برای نسل نو معرفی شده است که مرزهای زمان و مکان را درمی‌نوردد و چراغ راه آیندگان می‌شود.

● تعارضات نسلی از تفاوت‌های افراد در رفتارها، معیارها و باورهای بنیادی سرچشمه می‌گیرند. البته در داستان‌های برگزیده شاهد شیوه‌های رفتاری گوناگون نسل‌های پیش با فرزندان هستیم که از توجه بیش از اندازه تا موضع‌گیری نسبت به آنان در نوسان است. تغییرات در حوزه‌های ارزشی و نگرشی همزاد زندگی اجتماعی انسان‌هاست و امکان پویایی جوامع را فراهم می‌سازد.

- ادبیات پایداری کودک و نوجوان مایه همبستگی نسلی، ابزاری کلیدی برای بازآفرینی فرهنگ اسلامی و جامعه‌پذیری مخاطبان است. این رسانه قدرتمند در ارتباط دوسویه با فرهنگ قرار دارد و با ورود به گفتمان نسل نو، ترکیبی به نام انسان اجتماعی را شکل می‌دهد.
- در متون برگزیده، برخی از شخصیت‌ها تنها مرجع بازگوکننده اثره‌های نگرشی و ذهنیت نسل‌های هستند. این شخصیت‌ها با بهره‌مندی از تجربه‌های ارزنده خویش، نقش مهمی را در هویت‌بخشی ریشه‌دار به کودکان بازی می‌کنند و موجب جامعه‌پذیری آنان و همگرایی فرهنگی خواهند شد.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌شناسی مناسبات بین نسلی*. چ ۱. تهران: نشر علم.
۲. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی فرهنگ*. تهران: جهاد دانشگاهی.
۳. آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۴. ابجدیان، امراله. (۱۳۸۷). *تاریخ ادبیات انگلیس*. شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
۵. ایار، علی، آزاد ارمکی، تقی و حدادی دیزجی، مهدی. (۱۳۹۰). «فضاهای عمومی و اثره‌های نسلی (مطالعه موردی: ترمینال جنوب از منظر روابط نسلی)». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۷(۲۳)، ۵۱-۷۲.
۶. ایرمز، می‌یر. هوارد. (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*. ترجمه سعید سبزیان مرادآبادی. تهران: رهنما.
۷. ایتن، یوهانس. (۱۳۷۸). *هنر رنگ*. ترجمه عربعلی شروه. تهران: یساولی.
۸. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
۹. بالس، کریستوفر. (۱۳۸۰). «ذهنیت نسلی». *فصلنامه ارغنون*، ۱(۱۹)، ۱-۲۹.
۱۰. توحیدلو، سمیه. (۱۴۰۰). «تغییر صورت‌بندی نسلی در جامعه ایرانی». *مسائل اجتماعی*

ایران، ۱۲(۲)، ۳۵-۵۶.

۱۱. جعفرزاده‌پور، فروزنده. (۱۳۹۶). «رسانه، ابزار برای دسته‌بندی نسل‌ها در ایران». *جامعه‌پژوهی ایران*، ۸(۲)، ۱-۱۷.
۱۲. چیت‌ساز قمی، محمدجواد. (۱۳۸۶). «بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی». *جوانان و مناسبات نسلی*، شماره ۱، ۸۵-۱۱۲.
۱۳. حسام‌پور، سعید و مصلح، ملیحه. (۱۳۹۲). «مقایسه رابطه متن و تصویر در کتاب‌های داستانی - تصویری برگزیده ایرانی و اروپایی - آمریکایی معاصر بر پایه نظریه ماریا نیکولایوا و کارول اسکات»، *مطالعات تطبیقی هنر*، ۵(۹)، ۴۷-۶۲.
۱۴. خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۳). *معصومیت و تجربه: درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک*. تهران: نشر مرکز.
۱۵. خسروی راد، محمد. (۱۴۰۱). *سیب آخر*. تصویرگر: وحید خاتمی. تهران: انتشارات راه‌یار.
۱۶. ذاکری، علی و طاهری‌دمنه، محسن. (۱۳۹۹). «مطالعه‌ای آینده‌پژوهانه در ابعاد مختلف آموزش: ارائه چشم‌اندازی از مدرسه میان‌رشته‌ای آینده». *رویکردهای نوین آموزشی*، ۱۵(۱)، پیاپی ۳۱، ۱۳۳-۱۵۶.
۱۷. ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۶). *فرهنگ مطالعات جوانان*. چ ۱. تهران: نشر آگه.
۱۸. ژوبرت، کلر. (۱۴۰۱). *قهرمان به شکل خودم*. تصویرگر: کلر ژوبرت. تهران: انتشارات راه‌یار.
۱۹. سهراب‌زاده، مهران. (۱۳۸۸). «مقایسه ذهنیت نسلی و بین‌نسلی در نسل‌های دانشگاهی پس از انقلاب اسلامی». *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۲(۴)، ۲۶۳-۲۹۴.
۲۰. سیمیلر، کری و گریس، مگان. (۱۴۰۰). *نسل Z: قرنی در حال ساخته شدن*. ترجمه حسین قاسم‌زاده و دانیال فتاحی. اصفهان: رهنج.
۲۱. شالچی، وحید و ضیاجی، محدثه. (۱۳۹۳). «تفاوت‌های نسلی در سبک زندگی (مطالعه موردی: شهروندان منطقه ۱ تهران)». *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۳(۱)، ۶۹-۹۱.

۲۲. شمس‌زارع، میلاد، ناجی، سیده هدی و دهفولی، علیرضا. (۱۴۰۱). «کلیشه یا واقعیت؟ بررسی تفاوت‌های شخصیتی در کلان‌داده‌های چهار نسل نیروی کار ایران». *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۵(۳)، ۱-۲۴.
۲۳. قدیری حاجی‌آبادی، اکبر. (۱۴۰۱). *آینده‌پژوهی تفاوت نسلی در ایران با تأکید بر سبک زندگی نسل آلفا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی صنایع. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۲۴. کامرانی، بهنام و بوستانی، رضوان. (۱۳۸۹). «مطالعه‌ی بازنمایی آبژه‌های نسلی زندگی روزمره در نقاشی ده هشتاد در ایران». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۲(۲)، ۱۵۵-۱۸۳.
۲۵. کوثری، مسعود. (۱۳۸۷). «نسل‌های ایکس، وی و زد و سیاست‌گذاری فرهنگی». *راهبرد فرهنگ*، ۱(۳)، ۶۶-۸۴.
۲۶. مزینانی، رباب. (۱۳۹۰). *ملانی کلاین: نظریه‌پرداز روابط با آبژه*. تهران: نشر دانژه.
۲۷. مخدومی شریانی، رحیم. (۱۴۰۱). *حاج قاسم و پرواز نقاشی‌ها*. تصویرگر: سحر پری‌رخ. قم: انتشارات کتاب جمکران.
۲۸. مخدومی شریانی، رحیم. (۱۴۰۰). *حاج قاسم و جاسوس*. تصویرگر: سعیده تلخابی. تهران: انتشارات رسول آفتاب.
۲۹. مشرف، مریم. (۱۳۸۹). *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*. تهران: سخن: دانشگاه شهید بهشتی: مرکز چاپ و انتشارات.
۳۰. منطقی، مرتضی. (۱۴۰۰). *بررسی تحول‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی نسل دهه ۹۰*. تهران: بعثت.
۳۱. یورتسون، نیها. (۲۰۲۰م). *معلم نسل آلفا*. ترجمه محرم نقی‌زاده و کیارش رمضان‌نژاد. تهران: مؤسسه مدارس یادگیرنده مرآت.
32. Bleich, D. (1978). *Subjective Criticism*, Baltimore and London: Johns Hopkins University Press.
33. Iser, W. (2006). "The Reading Process: A Phenomenological Approach". *New Literary History*. Trans: Keyvan Bajeghli, Mahraveh, 2(5), 21-56.
34. Jauss, H. R. (1982). *Towards An Aesthetic of Reception*. Trans: T. Bahti. Brighton, U.K: Harvester Press.
35. Nodelman, P. (2008). *The Hidden Adult: Defining Children's Literature*. Johns Hopkins University Press.

36. Nodelman, P. (2003). **The Pleasures of Children's Literature**. 3rd Ed, U.K: Pearson.
37. Nodelman, P. (2013). **Words about Pictures: The Narrative art of Children's Picture Books**. U.S.A: University of Georgia Press.